

مصاحبه با

# گردانندگان وبسایت‌ها و وبلاگ‌های همجنسگرایان ایران

بخش اول

ضمیمه نامه مجله ماها - شماره ۵ - اردیبهشت ماه ۱۳۸۴



## مصاحبه با:

# گردانندگان وبسایت ها و وبلاگ های همجنسگرایان ایران

بخش اول

ضمیمه مجله ماها، شماره ۵، اردیبهشت ماه ۱۳۸۴

از مدت ها قبل در نظر داشتیم که از دوستان وبلاگ نویس دعوت کنیم که هر کدام مهمان یک شماره مجله باشند و مطلبی را برای چاپ در ماها بنویسند، اما با توجه به تعداد زیاد دوستان، تصمیم گرفتیم که در دو شماره و در هر کدام از ۳ یا ۴ نفر از دوستان دعوت به عمل آوریم، اما بعد از دریافت جواب ها، با توجه به محدودیت صفحات مجله بر آن شدیم که همه جواب های قسمت اول مصاحبه را جداگانه بصورت یک ضمیمه نامه منتشر کنیم.

جا دارد که همین جا از استقبال دوستان از دعوت ما تشکر کنیم.

متن دعوتنامه ..... ۲

متن جواب ها (بر اساس تاریخ دریافت) ..... ۴

- آراین ورجاوندی - مسئول سایت سازمان همجنسگرایان ایران (PGLO) ..... ۴
- خشایار - نویسنده وبلاگ «پسر خسته» ..... ۱۲
- پوریا شوقی - نویسنده وبلاگ «وبلاگ آهای گل شقایق» ..... ۱۴
- رضا شب بین - نویسنده وبلاگ «رضا شب بین» ..... ۱۸
- آراد امینی - نویسنده وبلاگ «وقتی من و تو باهم ما شدیم» ..... ۲۱

## دعوتنامه

با سلام

چهار شماره از مجله ماها را منتشر کرده ایم و فرصتی پیدا شده که با دوستان همجنسگرای وبلاگ نویس (و گرداننده سایت) به گفتگو بنشینیم.

ابتدا قصد این را داشتیم که یک ویژه نامه خاص وبلاگ ها منتشر کنیم، اما عوامل چندی باعث انصراف ما شد و تصمیم گرفتیم که برای هر کدام از شماره های ۶ و ۵، از ۳-۴ وبلاگ نویس دعوت کنیم که نویسنده مهمان یک شماره مجله باشند. با توجه به تعداد سایت ها و وبلاگ ها، مجبور به نوعی تقدم و تاخر در دعوت از دوستان شدیم اما از آنجا که هیچگونه مزیت و یا شرایط خاصی برای انتخاب نویسنده مهمان مد نظر نداریم، ترتیب انتخاب را برایمان مشکل می کند. از آنجا که باید از جایی شروع کنیم، ما بدون در نظر گرفتن معیار خاصی، برای هر شماره سراغ چند نفر از دوستان رفته و از آنها خواهیم خواست که نویسنده مهمان یک شماره باشند. بنابراین برای شروع کار چند وبلاگ و سایت را انتخاب کرده که یکی از آنها شما هستید.

خواهشمندیم تا حداکثر ۲ هفته دیگر جواب خود را ارسال کنید و اگر مایل به انجام مصاحبه نیستید، لطفاً هر چه زودتر خبر دهید تا دوست دیگری را برای مصاحبه در نظر بگیریم.

لطفاً توجه داشته باشید که چاپ آدرس وبلاگ (یا سایت) شما در ماها ممکن است باعث فیلتر شدن آن از طرف دولت گردد، بنابراین چاپ یا عدم چاپ آدرس وبلاگ (یا سایت) شما در ماها ممکن است باعث فیلتر شدن آن از

هر نویسنده مهمان آزاد است و می تواند که در مطلب خود به هر موضوع و مسئله ای که دوست دارد پرداخته و در باره آن بنویسد. با اینهمه خوشحال می شویم که یا در نوشته خود و یا بصورت جنبی نقطه نظرات خود را حول سئوالات زیر هم بیان کنید. (مناسب ترین راه این است که مطلبی نوشته و در آن به موضوع سئوالات بپردازید) اسم، سن و شهر محل اقامت خود را بیان کنید.

آیا همجنسگرایی خود را برای افرادی از خانواده یا دوستان خود برملا کرده اید؟ اگر آری واکنش آنها چگونه بوده است؟

تا چه اندازه با همجنسگرایی خود کنار آمده اید و چه چیزی به شما کمک کرد که احساس و گرایش جنسی خود را قبول کنید؟

خود و سایتتان را مختصراً معرفی کرده و بگوئید که ابتدا هدف شما از راه اندازی سایت چی بود و تا چه اندازه به آن هدف اولیه نزدیک شده اید؟

به وبلاگ ها و وبسایت های همجنسگرایان کشور چگونه نگاه می کنید؟ آیا آنها را تبلوری از یک جنبش و خواست اقلیت قابل توجهی در کشور می بینید یا صرفاً یک حرکت تفننی فردی و بدون اهداف خاص؟

برای خود و همچنین سایتتان چه نقشی در تلاش های همجنسگرایان کشور برای آزادی قائلید؟ و آیا اقدامات یا کار خاصی انجام داده اید؟

به نظر شما وظایف و اهدافی که سایت های همجنسگرایان ایران باید دنبال کنند، کدامها هستند؟  
به نظر شما عمده ترین موانع بر سر راه متشکل شدن و تلاش دسته جمعی همجنسگرایان ایران در راه آزادی، کدامها هستند و برای حل مشکلات و موانع چه پیشنهادی دارید؟

وضعیت فعلی همجنسگرایان کشور را چگونه می بینید و برای حل مشکلات فعلی چه راه حل هایی پیشنهاد می کنید؟ آیا حاضرید خود در تلاش برای پیاده کردن راه حل های پیشنهادی خودتان پیشقدم شوید؟  
آیا به چیزی بنام جنبش همجنسگرایان معتقدید؟ اگر آری مضمون آن را چه می دانید؟  
سه مورد از مهمترین خواسته های امروز همجنسگرایان کشور را به ترتیب نام ببرید و بگوئید که شخصا چرا این اولویت ها را عمده می دانید؟

در جنبش عمومی جامعه برای آزادی و دموکراسی، چه جایگاهی برای جنبش همجنسگرایان قائلید؟ آیا به دخالت همجنسگرایان در سیاست برای تغییر قوانین تبعیض آمیز اعتقاد دارید؟

آینده را چگونه می بینید و چرا؟  
آیا معتقدید که با وجود حکومت فعلی امکان دارد که ما همجنسگرایان به حقوق خود برسیم؟ اگر نه، راه حل شما چیست؟

مسائل و نکاتی که فکر می کنید طرح آنها مهم است را لطفا بیان کنید.  
لطفا مطلب خود را به صورت ورد ارسال کنید و اگر سوال یا ابهامی در مورد مصاحبه دارید، با کمال میل در خدمت شما هستیم.

با احترام

ماها



# آرین ورجاوندی

مسئول سایت سازمان همجسگرایان ایران

<http://www.pglo.org>

## خودتان را معرفی کنید.

با سلام و احترام و بهترین آرزوها به مناسبت فرا رسیدن نوروز باستانی ایران زمین و سال نو و بهار جدید زندگانی به تک تک انسان های آزاده ، ایرانیان عزیز بویژه همجسگرایان ایرانی و خانواده های گرامیشان ، امیدوارم که در هر کجای پهنه گیتی که هستید شاد باشید و سربلند و همواره پلکان پیشرفت و ترقی را بدون وقفه زیر پا نهید. اینجانب آرین ورجاوندی هستم و افتخار خدمتگذاری همجسگرایان، به عنوان دبیر سازمان همجسگرایان ایرانی را دارم و بسیار خرسندم که توانسته ام خودم را در این راه وقف همجسگرایان هموطنم نمایم. لازم می دانم در اینجا به سوالات بی شمار و مشابهی که عزیزان از روی کنجکاوی می پرسند به صورت کلی پاسخ بگویم.

من یک همجسگرای ایرانی هستم. ۳۴ سال سن دارم و مدت ۱۰ سال می باشد که از کشور خارج شده ام و اکنون در کشور مکزیک مستقر می باشم و در صدد هستم که تا آخر سال ۲۰۰۵ میلادی به کشور نروژ عزیمت نمایم. در طول این مدت زمان خروج از کشور به کشورم باز می گشتم و آخرین سفر من در اوایل سال ۱۳۸۳ بود که تنها یک سفر تجاری بود و پس از آن دیگر نتوانستم به ایران برگردم و درخواستم برای دریافت ویزا از طرف سفارت جمهوری اسلامی ایران در مکزیک لغو می گردید.

حدود ۸ سال است که با یکی از همجسگرایان کانادایی، زندگی مشترکی دارم و ازدواج همجسگرایی نیز نداشتم. با هیچ زنی ازدواج نکرده ام و بدیهی است که فرزندی هم ندارم. از زندگی شخصی خود راضی هستم زیرا توقع خاصی از زندگی ندارم ، تنها توقع من از زندگی آرامشی است که بتوانم در آن آسوده باشم و خدا را شکر که توانسته ام با تمام سختی های مهاجرتی آنچنان باشم که دوست می داشتم.

حدود تقریباً ۵ سال است که به صورت غیر علنی و پراکنده در زمینه همجسگرایی فعالیت دارم و فعالیت های رسمی و عمومی خودم را از زمان تشکیل سازمان شروع نمودم و امیدوارم شاهد روزی باشم که همجسگرایی یدک کش اتهامات و بی حرمتی ها نباشد و اینها به آرامش خاطر دست یابند.

## آیا همجنسگرائی خود را برای افرادی از خانواده یا دوستان خود برملا کرده اید؟ اگر آری واکنش آنها چگونه بوده است؟

برای خانواده خودم تا زمانی که در ایران بودم خیر. اما در مراجعت های بعدی آنها را از این امر کم کم آگاه نمودم. مسلما در ابتدای امر بسیار شوکه و ناراحت شدند اما با توضیحات من و ارائه های مناسب کم کم پذیرفتند و خانواده ام با شناختی که از من و روحیات و روابط اجتماعی من داشتند مطمئن می بودند که به ابتذال کشیده نخواهم شد و شاید این امر بسیار کمک کننده من بود.

اما دوستان صمیمی ام در آن زمان مطلع بودند و دقیقا یادم نیست که عکس العمل ابتدایی آنها چه بود اما به هیچ عنوان بد نبود زیرا من بدون نیاز و بدون شناخت و کسب اطمینان کافی از دوستم این مسئله را مطرح نمی نمودم. زیرا این مورد یک امر خصوصی است و دلیلی نداشت که همه دوستان من مطلع باشند.

## تا چه اندازه با همجنسگرائی خود کنار آمده اید و چه چیزی به شما کمک کرد که احساس و گرایش جنسی خود را قبول کنید؟

مشکل من با روحیات و احساسات همجنسگرایی تنها تا زمانی طول کشید که دیگر همجنسگرایان را نمی-شناختم و خودم را تنها حس می کردم. در اواخر زندگی من در ایران و دسترسی بسیار جزئی به اینترنت و پس از آن خروج از کشور و استفاده از وسایل ارتباط جمعی و مطالعه و تحقیق جزئی ، خودم را پذیرفتم و همواره به خود بالیده ام که با دیگران متفاوتم.

اکنون نه تنها مشکلی ندارم بلکه مفتخر و سربلند هم هستم.

یکی از مهمترین چیزهایی که در این پذیرش تاثیر گذار بود اعتماد به نفس و انعطاف پذیری و خودباوری من بود که نگذاشت افسرده شوم و همواره خودم را سالم و نرمال می دانستم.

## سایتتان را مختصرا معرفی نمایید و بگوئید که ابتدا هدف شما از راه اندازی سایت چه بود و تا چه اندازه به آن هدف اولیه نزدیک شده اید؟

سازمان همجنسگرایان ایرانی با نام اختصاری PGLO که برگرفته شده از Persian Gay & Lesbian Organization می باشد به دلیل مشکلات موجود در کشور ، و آزادی فعالیت در کشورهای پیشرفته اروپایی ، در نروژ به ثبت رسید و فعالیت های خود را به صورت الکترونیکی آغاز نمود آدرس سایت سازمان در ابتدا [www.pglo.org](http://www.pglo.org) بود که به دلیل فیلتر سازی این آدرس در داخل کشور دو آدرس [www.pglo1.org](http://www.pglo1.org) و [www.pglo2.org](http://www.pglo2.org) نیز به آن اضافه شد و اکنون سازمان با این سه آدرس فعالیت خود را ادامه می دهد و چنانچه این آدرس ها از دسترس خارج شوند می بایست از پروکسی ها استفاده گردد.

سازمان همجسگرایان ایرانی با اهداف رشد و ارتقای سطح پزشکی، حقوقی، اجتماعی، اطلاعاتی، فرهنگی و همبستگی و در کل ارتقای سطح زندگی همجسگرایان ایرانی و ساماندهی و سازماندهی آنان با توجه به شرایط و موقعیت های زمانی و مکانی با انعطاف پذیری کامل ایجاد و شروع به کار کرد. بدیهی است که رسیدن به این اهداف اولیه و مقدماتی مستلزم صرف زمان و هزینه می باشد اما خوشبختانه ما با استقبال شدید همجسگرایان روبرو شدیم و دلیل آن را دوری جستن از ارائه مطالب و تصاویر سکسی و تلاش برای ارائه مطالبی که حتی خانواده ها قادر به دسترسی باشند برآورد نموده ایم.

### **به وبلاگ ها و وبسایت های همجسگرایان کشور چگونه نگاه می کنید؟ آیا آنها را تبلوری از یک جنبش و خواست اقلیت قابل توجهی در کشور می بینید یا صرفاً یک حرکت تفرنی فردی و بدون اهداف خاص؟**

بسیار خوشحالم که تعداد وبسایت ها و وبلاگ های همجسگرایی در این اواخر رو به افزایش بوده است و این حرکات نشان دهنده جنبش و آزادی خواهی خواهد بود. اکنون وبسایت ها و وبلاگ هایی وجود دارند که نه تنها از لحاظ طراحی بسیار عالی هستند بلکه ارائه کننده مطالب بسیار زیاد و مفیدی می باشند و مراجعه کنندگان زیادی نیز دارند.

اما نکته بسیار مهمی که در این میان وجود دارد این است که تمامی عزیزان دست اندرکار دوست دارند یک تنه تمام کارها را انجام داده و روحیه همکاری و کار مشترک را در خود نمی پروراندند که این امر به صورت زیادی در بین ایرانیان دیده می شود.

هر سایت وبلاگ و گروهی می خواهد تمام زمینه ها را با هم داشته باشد. هم فعالیت های پزشکی، هم فرهنگی، هم اجتماعی، هم حقوقی و بعضاً فعالیت های سیاسی. بدیهی است که در این صورت نمی توان به تمام زمینه ها به صورت حرفه ای نگاه کرد و به آنها استناد نمود. این تفاوت کاملاً واضح می باشد که اگر وقت معینی را به جای فعالیت بر سه زمینه، بر روی یک زمینه معطوف نمایند اثر بهتری خواهد داد.

سازمان در تارنمای خود تمامی این بخشها را با هدف ارائه فعالیت های دیگران در نظر گرفت به طوری که قرار بر این بود که فعالیت های دیگران دسته بندی شده و همه در کنار هم ارائه می گردیدند این امر تا حدی انجام شد اما متأسفانه این عزیزان همکاری نمی نمودند و تصمیم بر آن شد که موقتاً این بخشها غیر فعال شوند. اما اگر هر یک از وبلاگ ها و یا وبسایت ها روی موضعی خاص مطالعه نماید آن زمان می توان با کمک یکدیگر پیشرفت قابل توجهی داشته باشیم و از تجربیات دیگران بهره ببریم. امید است که این اتفاق بیافتد.

### **برای خود و همچنین سایتتان چه نقشی در تلاش های همجسگرایان کشور برای آزادی قائلید؟ و آیا اقدامات یا کار خاصی انجام داده اید؟**

ما همواره سعی داریم که محل گردهمایی و تبادل نظر کلیه فعالان و همجسگرایان باشیم سازمان همجسگرایان ایرانی به تک تک همجسگرایان ایرانی در سرتاسر دنیا تعلق دارد و همگی حق رای و تصمیم گیری دارند و به صورت یک ارگان حامی همجسگرایان ایرانی فعالیت می نماید.

سازمان مایل است که جلسات و نشست های زیادی را برگزار نماید و در آن جلسات، همجسگرایان و یامایندگان آنها برای عکس العمل ها و واکنش های اجتماعی به یک نظر مشترک دست یابند همگی و با قدرت و اتحاد هر چه تمامتر این تصمیمات را به کار برند که چیزی نیست جز نظرات مشترک کلیه همجسگرایان. سازمان همجسگرایان ایرانی از هیچگونه تلاشی در راه اتحاد و یکسوسازی همجسگرایان و دفاع در راه آزادی و بازپسگیری حقوق همجسگرایان دریغ نخواهد نمود.

### **به نظر شما وظایف و اهدافی که وبسایت های همجسگرایان ایران باید دنبال کنند، کدامها هستند؟**

در ابتدا باز بر لزوم اتحاد بین همجسگرایان تاکید می نمایم. یکی از مهمترین موارد خود همجسگرایان هستند که بایستی روی آنها کار کرد. تا زمانی که خود همجسگرایان این قضیه را باور نموده و از اعتماد بنفس و خود باوری کافی برخوردار نباشند و ندانند که بایستی دیگر هموعان را با هر نقشی پذیرفت و احترام گذاشت چه جای توقعی است که دیگران آنان را قبول کنند.

ما شاهد بسیاری از این قضایا بوده ایم که همجسگرایان توقع داشتند مردم موردی را بپذیرند که خود آنها هنوز در آن مورد مشکل دارند.

ارائه فرهنگ همجسگرایی مناسب جامعه ایرانی و تلاش برای از بین برن کج فکری ها و ستیزه ها نیز در اولویت قرار می گیرند. زمانی که این نیازها تامین گردیدند راه برای ادعای آزادی هموارتر خواهد شد و می توان حمایت دیگر اقلشار جامعه را نیز دریافت نمود.

### **به نظر شما عمده ترین موانع بر سر راه متشکل شدن و تلاش دسته جمعی همجسگرایان ایران در راه آزادی، کدامها هستند و برای حل مشکلات و موانع چه پیشنهادی دارید؟**

" امروز فقط اتحاد"، این جمله را بارها و بارها از طریق رسانه های ماهواره ای شنیده ایم واقعا جمله زیبا و با معنایی است و نیاز جامعه ایرانی می باشد. زمانی موفق خواهیم شد که با هم باشیم و اگر هر کس ساز خود را بنوازد هیچگاه آهنگی دلنشین نخواهد شد و هیچکس حاضر نخواهد شد به آن گوش فرا دهد اما اگر هر کس به موقع خود و با همکاری و هماهنگی، ساز بنوازد شاهد کنسرتی بزرگ و شکوهمند خواهیم بود که میلیونها شنونده دارد. مشکل عمده این راه در ابتدا تک روی خود همجسگرایان است که بایستی به فعالیت های گروهی و هماهنگ شده تبدیل گردد.

برای نیل به این اتحاد بایستی از انعطاف پذیری و انتقاد پذیری برخوردار باشیم و چنانچه طرح و نظر ما به تایید جمع نرسید لجاجت نکرده و بپذیریم. با رشد این روحیه براحتی می توانیم متحد باشیم و با هم قدمهای استوارتری برداریم.



## وضعیت فعلی همجنسگرایان کشور را چگونه می بینید و برای حل مشکلات فعلی چه راه حل هائی پیشنهاد می کنید؟ آیا حاضرید خود در تلاش برای پیاده کردن راه حل های پیشنهادی خودتان پیشقدم شوید؟

در حال حاضر همجنسگرایان از شرایط بسیار بهتری در مقابل با ۱۰ سال پیش دارند امروزه با وجود اینترنت و سایل ارتباط جمعی می توانند بسیاری از محدودیتهای احساسی و عاطفی خود را مرتفع نمایند. سعی کنیم همیشه از زندگی گلایه مند نباشیم شرایط کسانی را که بدتر از ما هستند را هم در نظر بگیریم و خوشحال باشیم که ما آن مشکلات را نداریم. این بدان معنا نیست که از پیشرفت جلوگیری نماییم بلکه لزوم پیشرفت را با در نظر گرفتن جامعه و دیگر اقشار آن تایید می نماید.

اما در حال حاضر مشکلی که همجنسگرایان زیادی با آن روبرو می شوند مشکلات و قوانین کشوری نمی-باشند و یا حداقل در اولویت نیستند بلکه بیشترین آمار نارضایتی همجنسگرایان از مشکلات عاطفی و احساساتی نشأت می گیرد و از شکست ها و بازی های زندگی گلایه می کنند.

پیشنهاد می شود که برای رفع این مشکلات و یا حتی مشکلات قانونی و کشوری و اجتماعی را با گفتگو و مشاوره مرتفع سازند و گردهمایی ها و جلسات خاصی را ترتیب دهند و در راه برطرف سازی مشکلات دیگران کوشا باشند. توصیه می گردد در ابتدای امر و با توجه به شرایط جامعه از جلسات اینترنتی استفاده نمایند تا خطرات کمتری آنها را تهدید کند.

سازمان همجنسگرایان ایرانی از تمامی پیشنهادات و درخواست ها استقبال خواهد کرد و حاضر است که این جلسات را راه اندازی و ارائه نماید.

## آیا به چیزی بنام جنبش همجنسگرایان معتقدید؟ اگر آری مضمون آن را چه می دانید؟

بلی ، جنبش هر جامعه ای نشان دهنده ادعای آن جامعه برای استقلال و آزادی و رعایت حقوق آنها می باشد به عنوان مثال جنبش زنان همواره درخواست کننده رعایت حقوق زنان بوده و هست. جنبش همجنسگرایی نیز از این قاعده جدا نیست و همجنسگرایان می بایست دیر یا زود به چنین جنبش هایی تن در دهند البته با رعایت اصول عقلانی و تفاهم و همکاری و اتحاد نه جنبش های خود مستقل و بی هدف و جنجالی.

این بدان معنا نیست که از فردا همجنسگرایان پیراهن های رنگین کمانی تن نمایند و در خیابان ها اقدام به راهپیمایی و تظاهرات نمایند. این کار بد نیست ، اما در صورتی خوب هست که تمامی جوانب آن بررسی شده باشد و اکثریت نظرها به اجرای آن رای داده باشند.

در کوتاه سخن آن جنبشی پسندیده است که در کمترین زمان ، کمترین هزینه و کمترین انرژی بتوان بیشترین بهره را برد و در بهبود شرایط نقش داشته باشد نه اینکه خود این جنبش باعث مشکلات جدیدی در رسیدن به هدف باشد.

## سه مورد از مهمترین خواسته های امروز همجنسگرایان کشور را به ترتیب نام ببرید. و بگوئید که شخصا چرا این اولویت ها را عمده می دانید؟

کسب احترام اجتماعی ، حمایت خانواده و دوستان ، راهنما و الگوی مناسب.

به عقیده من این سه امر یکی از نیاز ها و خواسته های همجنسگرایان در زمان حاضر می باشد زیرا که احترام اجتماعی باعث رشد سطح اعتماد بنفس شخصی می شود و فرد را از چنگال نگاه ها و اشاره ها و توجهات بی مورد می رهاوند و این فرصت را می دهد که واقعا آن باشد که هستند نه آنکه اجتماع از آنها می خواهد. اگر جامعه ما به جایی برسد که از دخالت های بی مورد و سوالات بی اساس که تنها جنبه دخالت و کنجکاوی و تجاوز به حریم شخصی فرد است دست بردارد ، بسیاری از مسایل راحت تر حل خواهند شد.

اگر شخص همواره خانواده را حامی و پشتیبان خود ببیند و بداند که آنها در بدترین شرایط او را تنها نمی گذارند و دوستان و اعضای خانواده او حمایت کننده و پشتیبان کننده او هستند از زندگی دلسرد نشده و سختی ها و مشکلاتش را با قدم های ثابت تری برخواهد داشت اما اگر خانواده را غریب حس کند و دوستان خوبی نیز نداشته باشد که عاقلانه او را راهنمایی کنند ، ناچار به گرگ های میش نمای جامعه پناه خواهد برد و نتیجه ای جز اسارت در چنگ اعتیاد و حتی در برخی موارد خودکشی ها و جنایات را در بر نخواهد داشت.

راهما و الگوی مناسب هم بدیهی است که در حفظ شخصیت انسانی و هدفمند بودن شخص اثر بسزایی دارد که در صورت عدم آن فرد به دست امواج بی رحم اجتماع و تقدیر بی ثبات سپرده می شود و دیر یا زود در گردابی غوطه ور خواهد شد که رهایی از آن مشکل و طاقت فرساست.

## در جنبش عمومی جامعه برای آزادی و دمکراسی، چه جایگاهی برای جنبش همجنسگرایان قائلید؟ آیا به دخالت همجنسگرایان در سیاست برای تغییر قوانین تبعیض آمیز اعتقاد دارید؟

به عقیده من در حال حاضر هر چه همجنسگرایان از مسایل سیاسی و جنجالی بدور باشند و خود را درگیر این مسایل ننمایند بهتر است اما این بدان معنا نیست که خدای ناکرده دعوت به سکوت کرده باشم و حق تصمیم گیری را از کسی سلب نمایم، هر کس می تواند بر طبق عقیده خود فعالیت های سیاسی داشته باشد و حزب یا گروهی را حمایت نماید اما این فعالیت ها را با مطرح کردن نام همجنسگرایان را در حال حاضر صحیح نمی دانیم زیرا جامعه ما هنوز با اصل این قضیه کنار نیامده است چه رسد به قبول و یا رد نظریات این افراد.

در هر زمانی و هر دولتی که بر کشور حکومت کند می بایست حقوق همجنسگرایان را رعایت کند و برای آنان برنامه ریزی داشته باشد اما فراموش نکنیم که مهمتر از دولت ، مردم و فرهنگ سنتی آنها نیز بر جامعه حکمفرمایی می کنند پس ما با یک دولت سروکار نداریم، با دولت و ملت سروکار داریم، باید خواستار دولتی باشیم که این امر را پذیرفته باشد و برای تغییر فرهنگ مردم هم برنامه های مدونی داشته باشد.

به عقیده من بهترین راه فعالیت های رسمی و فراگیر اما بی سر و صدا می باشد که از این مدعیان آزادی بایستی سوال شود و برنامه ها و نظرات آنها را دانست چنانچه برنامه های مدون و خوبی برای همجنسگرایان داشتند

و آن را اعلام نمایند می توان خود همجنسگرایان در بین خود آن را تبلیغ نمایند اما چنانچه این مورد را رد نمایند پس می توان آنها را رد نمود.

جمعیت همجنسگرایان در حدود ۷ میلیون نفر در ایران می باشد که این رقم نیز در رای گیری ها قابل توجه می باشد. توضیح اینکه سازمان همجنسگرایان ایرانی در نظر دارد یکسری فعالیت هایی در این زمینه انجام دهد و از این احزاب استعلام نماید که نظر و عقیده خود را بیان نموده و جایگاه همجنسگرایان را در برنامه های دولت پیشنهادی خود بیان کنند.

### آینده را چگونه می بینید و چرا؟

همیشه آینده روشن و امیدوار کننده است. همیشه خوبی ها در راه هستند ، همیشه دنیا رو به نیکی خواهد رفت اما بعضی وقتها در این راه مشکلاتی به وجود می آید که دیر یا زود حل خواهد شد. من مطمئن هستم که روزی فرا خواهد رسید که ایرانیان همجنسگرا به آرامش و حقوق خود نائل خواهند شد و این مستلزم صبر و استقامت و اقدامات و فعالیت های برنامه ریزی شده هست. در نا امیدی بسی امید است پایان شب سیه سپید است

### آیا معتقدید که با وجود حکومت فعلی امکان دارد که ما همجنسگرایان به حقوق خود

### برسیم؟ اگر نه راه حل شما چیست؟

دولت جمهوری اسلامی به دلیل اینکه قوانین خود را بر محوریت اسلام وضع نموده است به هیچ عنوان نمی تواند حقوق همجنسگرایی را رعایت نماید زیرا اصل قضیه در اسلام مطرد شده و ممنوع معنا گردیده است پس بدیهی است که این آزادی ها در این دولت داده نخواهد شد.

به نظر من بهترین راه حل این است که منتظر باشیم تا فعالان سیاسی اهداف خود را دنبال کنند و ما در طول این مدت به خودمان و مسایل همجنسگرایی خود برسیم و جامعه را آماده این تغییرات و درک این حقایق نماییم زیرا به هر حال ما یک گروه اجتماعی هستیم و سیاست تخصص سیاستمداران است ما نیازمند بسیاری حرکات اجتماعی هستیم که پیش نیاز پذیرفتن همجنسگرایی است

### مسائل و نکاتی که فکر می کنید طرح آنها مهم است را لطفا بیان کنید.

من از تمامی همجنسگرایان درخواست می کنم که از اعتیاد دوری کنند و دوستان خود را چنانچه در این دام اسیر شده اند را برهاند زیرا که اعتیاد گرگی است که در گله آزادی خواهان افتاده است. از تمامی همجنسگرایان می خواهم که کانون خانواده را ترک نکنند. مطمئن باشند هیچگاه دوستان و اطرافیان مهربانتر از پدر و مادر نمی باشند. پدری که گونه های فرزندش را با سیلی سرخ نگه می دارد بسی بهتر از دوستی است که سیگاری هدیه می دهد و او را به میان جامعه گرگ صفتان سوق می دهد ، عقل سالم حکم می کند که سیلی بخورد اما در میان نا آشنایان و گرگان میش نما گرفتار نگردد که این حالت مصداق ضرب المثل از دوست باز شده و به یار نرسیده خواهد بود.

از تمامی همجنسگرایان خواهش می کنم که سعی در پاسداری از عنوان همجنسگرایی نمایند و اعمالی را مرتکب نشوند که تهمت ها و بدنگاهی های جامعه را اثبات کند و چنانچه کسانی را می شناسند که با اعمال دور از اخلاقیات باعث تشدید این افکار می شوند آنها را توجیه نمایند.

از تمامی همجنسگرایان خواهش می کنم که دست به دست هم نهند و با هم و در کنار هم میهن خویش را آباد و آزاد کنند.

شایان ذکر است که سال ۱۳۸۴ به عنوان سال هم آوازی ، یکسوسازی و اتحاد همجنسگرایان نام گذاشته شده است و امید است که در این سال بتوانیم به این عناوین دست یابیم.

همچنین سازمان همجنسگرایان ایرانی با استناد به نظرخواهی های انجام شده روزهای معینی را با عناوین خاصی مطرح نموده است که امید است در آن روزها هم آوازی خود را به اثبات برسانیم.

سازمان همجنسگرایان ایرانی دریافت کننده نظرات و پیشنهادات شما عزیزان می باشد و همواره و همیشه پشتیبان شما بوده و خواهد بود

در آخر از عزیزان فعال در مجله ماها تشکر و قدردانی بعمل می آید که با این اقدامات مهم و اساسی خود گام های موثری در راه نیل به اهداف عمومی همجنسگرایان قدم بر می دارند و سپاسگزاریم که از این سازمان دعوت نموده و این افتخار را نصیب ما نمودند.

شاد باشید و سربلند

آرین ورجاوندی



## خشایار

تبریز - نویسنده وبلاگ «پسر خسته»

<http://www.pesarekhaste.blogspot.com>

با سلام خدمت دوستان عزیزم در ماهنامه ماها  
این متن کوتاه را در جواب دعوت محبت آمیزتان ارسال می کنم. آمدن آدرس وبلاگ من در مجله شما  
افتخاری است برای من و باکی از فیلتر شدن و از دست دادن وبلاگ ام ندارم.

۱

من، خشایار، متولد و ساکن تبریز و همجنسگرا هستم. سی ساله ام و مهندس مکانیک. شغل اصلی ام  
آهنگ سازی و گاهی نویسندگی است.

۲

همجنسگرایی خود را برای سه نفر از دوستان غیر همجنسگرای خود آشکار کرده ام و خانواده ام از این  
موضوع اطلاعی ندارند. ترجیح می دهم این حس را برای آنان آشکار نکنم. البته این انتخاب را بر اساس محل زندگی  
(ایران) و آشنایی با روحیات افراد خانواده های مذهبی ایرانی انجام داده ام. هر گونه تلاشی را در جهت تنویر افکار  
عمومی و اصلاح فرهنگ بیمار شده ی ملت ام را می ستایم ولی ایمان دارم که هر کاری باید در زمان مناسب خود  
انجام شود تا بهترین تاثیر را بگذارد. به نظر من در گیر شدن با خانواده و گرفتاری های شدید عاطفی و فکری که بعد  
از آشکار- سازی حس جنسی یک همجنسگرا در خانواده اش اتفاق می افتد، تمام توان حرکت را از او سلب خواهد  
کرد.

۳

انسان امروزی متاسفانه انسانی است که برای هر اتفاقی و برای قبول هر چیز به دنبال دلیل منطقی می  
گردد. او فراموش کرده است که منطق جزئی از وجود او است و این جزء در میان سایر اجزا معنی می یابد. او خود را  
گم کرده است و بیرون از خود به دنبال خود می گردد. من نیز برای توجیه احساسات جنسی خود به دنبال دلیلی  
منطقی می گشتم و آن را در اینترنت یافتم. شاید اگر می توانستیم هر چیزی را آنطور که هست قبول کنیم  
زندگی مان اینهمه گنگ و وهم آلود نبود.

۴

قطعا برای ایجاد وبلاگ یک دلیل تنها نداشته ام. اولین دلیل ام این بود که این کار را دوست داشتم. دومین دلیل آشنایی با دوستان صاحب اندیشه و احساس و همجنسگرا بود. سومین دلیل در معرض نقد قرار دادن نوشته های غیر مجازم بدون آشنایی با نقاد بود که فکر می کنم این از مهم ترین دلایل ایجاد وبلاگ بوده است. مطمئنا دلایل دیگری نیز در کار بوده اند.

۵

من آزادی را نه تنها برای همجنسگرایان ایران و حتی ملت ایران بلکه برای هر انسانی هدف می دانم. ولی آزادی نه دادنی است و نه گرفتنی. انسانی آزاد خواهد بود که از مواجهه با خود نهراسد و هر لحظه به خود نزدیک تر شود.

۶

سوالاتی در مورد رسالت سایر وبلاگ ها و موانع موجود بر سر راه آزادی و دموکراسی در کشور و مسائل سیاسی و... شده بود. همین قدر می توانم بگویم که من یک شاعرم و هیچ از سیاست نمی دانم و علاقه ای هم به آن ندارم. و من خودم بیشتر دغدغه ی انسان بودن دارم تا همجنسگرا بودن. این سوالات حس خوبی برای من نداشت و برای همین از شما می خواهم تا مرا از جواب گویی به این سوالات معاف کنید. همین قدر می دانم که مشکل همجنسگرایان و تمام کسانی که جور دیگری می بینند و می اندیشند ارتباط مستقیم با نوع تفکر رایج در کشور دارد و این مشکل تنها با افزایش آگاهی عمومی قابل حل است.

۷

در انتها از شما عزیزان که در جهت روشننگری افکار عمومی تلاش می کنید به سهم خود تشکر می کنم و دستان فداکار و دل های صمیمی تان را می ستایم. داستان واقعی با عنوان **غرور** را تقدیم مجله شما می کنم و امیدوارم هیچ ایرانی همجنسگرایی به سرنوشت دوست فرزانه از دست رفته ام **علی** دچار نشود.

سرافراز بمانید.

درود و بدرود.



بنا به دعوت از طرف مجله فرهنگی و اجتماعی ماها (اولین صدای همجنسگرایان) برای شرکت در مصاحبه ای از طریق اینترنت، فرصت خوبی به من دست داد تا حرفها و ناگفته های خودم و عده کثیری از همجنسگرایان را بیان کنم. البته حرف ها و خواسته ها و مشکلات بیشمارند و من تنها گوشه ای کوچک از آن چیزی را که به نظر خودم و دوستانم می رسید بیان کردم.

از مجله الکترونیکی ماها نیز بسیار تشکر می کنم که این فرصت رو به من دادند و به خاطر تلاشی که این مجله در رسانیدن همجنسگرایان کشور به جایگاه حقیقی و در شان خود دارد، کمال تشکر را دارم و برای کلیه دست اندرکاران آن آرزوی موفقیت می کنم.

معرفی خود:

من پوریا هستم، دانشجوی رشته کامپیوتر در شهر خودم کرمان.

شاید به نوعی نوشتن هرگونه مطلبی یا مقاله ای راجع به همجنسگرایی و همجنسگرایان و این گرایش جنسی زیبا کار سخت و دشواری باشد ولی دفاع از حقوق همجنسگرایان و تغییر دید سنت گرایانه اجتماع (خانه، خانواده، جمع دوستان) کاریست که بر دوش همه همجنسگرایان است و نباید از زیر بار این مسئولیت شانه خالی کرد. به نوعی تغییر دید اطرافیان نسبت به این گرایش وظیفه ایست که همواره باید انجام بشود.

من همیشه در جمع (دوستان ، خانواده) سعی در مطرح کردن صحیح این گرایش جنسی داشتم و در به وجود آمدن تصور صحیح و از بین بردن مسائلی که این نوع گرایش را به شکل منفوری در ذهن دیگران نشان داده است همواره تلاش کردم، و تا حد زیادی نیز موفق بودم اما برای رسیدن به موفقیت همواره مشکلاتی نیز وجود دارد.

چند روز پیش با دوستی مشغول صحبت در رابطه با همجنسگرایی بودم. عکس العمل طرف مقابل بسیار جالب و در بعضی از موارد بخاطر وجود تابوهای اجتماع همراه با موضع گیری و سعی در ایجاد تحول و تحمیل گرایش خود بود، اما با قضیه همجنسگرایی مشکلی نداشت و این قضیه را قبول کرد، اما وقتی سعی در مطرح کردن

سطح بالاتری از همجنسخواهی داشتیم با بیان مسئله عشق پایدار بین دو زوج همجنسگرا و یا ازدواج و تشکیل خانواده درک و هضم این قضایا کمی برای او مشکل بود، اما بعد از بحث و آوردن دلایل منطقی و قابل قبول، دیدگاه و موضع این دوست راجع به این مسائل کاملاً تغییر کرد.

حال در این اجتماع که حتی دوستان، نزدیکان و خانواده با درک و قبول این گرایش جنسی مشکل دارند ما همجنسگرایان وظیفه سخت تری را بر عهده داریم. جایی دیگر وجود ندارد، همینجاست، باید بمانیم و تغییر دهیم. فرار از این گرایش جنسی یا گوشه نشینی و یا ترک جمع دوستان هیچ کمکی به ما نمی کند. باید حرف زد، باید فریاد کشید تا تمام گوشها به سمت ما تیز شود. نه من، نه تو، به تنهایی کاری از ما ساخته نیست، باید متحد شد، باید یکصدا فریاد کشید، شعار را کنار بگذاریم و مرد عمل باشیم، باید پیشقدم شویم.

اگر شما توانستید احساس و گرایش جنسی خودتان را آنطور که هست قبول کنید و با آن کنار بیایید باید در آگاهی رساندن به دیگران نیز تلاش کنید. من خود به یاد می آورم روزهای پر اضطراب و پر تنش و افسرده ای را که با گرایش خود دست به گریبان بودم و با آن کلنجار میرفتم، با احساس و صدایی که از اعماق وجودم گرایشم را فریاد میکرد. در آن روزهای افسرده بود که اینترنت دریچه ای شد تا بتوانم به حقیقت وجود خودم و احساس و گرایش خودم دست پیدا کنم. هیچ دوست و معلمی و یا هیچ یک از اعضای خانواده به کمک نیامدند اما من این امکان را داشتم که به اینترنت سرشار از منابعی (هر چند محدود) دست داشته باشم و به کمک آمدند وبسایت ها و بلاگهایی که دستم را گرفتند و مرا از تاریکی و فقری که اجتماع و خانواده برایم ایجاد کرده بود بیرون بیاورند. به یاد آوردن آن روزها و نقش حیات بخش آن وب سایت ها انگیزه ای بود برای شکل گیری وبلاگم تا شاید اینبار این وبلاگ من باشد که کسی را از اضطراب و تشویش برهاند و اما اکنون که وبسایت ها و وبلاگ های ما همجنسگرایان نسبت به سابق بیشتر شده است، به نوعی همجنسگرایی و صحبت از آن وارد فصل جدیدی از زندگی خود شده است. فصلی که می توان بدون سانسور نوشت.

و من اکنون به عنوان عضو کوچکی از خانواده بزرگ همجنسگرایان برای احقاق حقوق همه همجنسگرایان ایرانی تلاش خواهم کرد و با تمام امکاناتی که در اختیار دارم سعی در رساندن این جنبش بزرگ و قابل تقدیر به منزل مقصود، و رسیدن به حقوق مدنی و اجتماعی همه همجنسگرایان، حداکثر تلاش خود را خواهم کرد و این تنها یک شعار نخواهد بود.

همانا اهداف همجنسگرایان شامل موارد زیادی است که به کمک دوستان آنها را ذکر می کنم. به رسمیت شناخته شدن این اقلیت نه چندان کوچک در قوانین مدنی و اجتماعی، اجازه داشتن تشکل های رسمی و داشتن کلاب ها و مکان های اختصاصی امن ( به نظر من باشگاه های مخصوص به همجنسگرایان مثل باشگاه های بیلبارد و...)، تغییر در قوانین مربوط به حقوق و ازدواج رسمی همجنسگرایان، شناسندن و تغییر دیدگاه اجتماعی، داشتن نماینده در تشکل ها و احزاب و مجلس برای بیان خواسته های همجنسگرایان، و مواردی که به ذهن ما نرسیده است.

شاید رسیدن به همه این درخواست ها با حکومت و قوانین مدنی و اساسی کشور بعید و دور به نظر برسد اما مطرح کردن این درخواست ها توسط تشکل منسجمی از جمعیتی که شامل حقوقدانان و سیاستمداران و پزشکان



دانشجویان، پژوهشگران، روانشناسان و قشر ادبی جامه باشد، نشان از قدرت این تشکل و نیز انسجام و اصرار نشانه این است که این جمعیت از حقوق واقعی و مسلم خود نخواهد گذشت و دولت نیز نمی تواند خود را نسبت به این قشر عظیم و متحد و هدفمند بی تفاوت نشان دهد، و در مقابل در خواست های خود شاهد عکس العملی خواهیم بود و هر عکس العملی را می توان به فال نیک گرفت.

وظیفه هم ما همجنسگرایان دفاع از حقوق و آبروی خود است، در هر جمعی که در آن یک همجنسگرا وجود داشته باشد نباید به همجنسگرایان توهین شود یا آنها را مورد تحقیر قرار دهند، در اینگونه موارد با منطقی درست و صحیح باید از حقوق آنها دفاع کنید، حتی اگر شده خود را یک دگرجنسگرا معرفی کرده اما در بحث از حقوق همجنسگرایان دفاع کنید و بسته به مقوله صحبتان، کسانی را معرفی کنید. دوستانتان را به سوال کردن ترغیب کنید و به شیوه پرسش و پاسخ، ابهاماتی را که در ذهنشان ایجاد شده از بین ببرید.

زمانی که قصد مطرح کردن مسئله همجنسگرایی خود در محیط دوستان یا خانواده دارید، سعی کنید با اطلاعات و معلومات کامل عمل کنید و کاملاً تمام پرسش هایی که ممکن است با آنها برخورد کنید را در ذهن خود مرور کنید، تمام سعی خود را مبذول دارید تا تصویر صحیحی از مسئله همجنسگرایی در ذهن طرف مقابل ایجاد کنید، بطوری که این تصویر کاملاً شفاف و بدون ابهام منطقی و قابل قبول باشد. دلایل پزشکی و روانپزشکی را در جای مناسب بیان کنید. در هنگام صحبت، شخصیت های معروف و پیشروان این جنبش را در سطح جهانی مثال بزنید و هنرمندان، نویسندگان و شخصیت های بزرگ فرهنگی و اجتماعی که همجنسگرا بوده اند را معرفی کنید.

متشکل شدن همجنسگرایان با خطراتی از طرف دولت همراه خواهد بود و قوانین مدنی باعث ایجاد ترس و دلهره و گوشه نشینی همجنسگرایان شده است. در کشوری که همجنسگرایی یک جرم محسوب می شود و مجازات سنگینی نیز برای این جرم در نظر گرفته شده است متشکل شدن جمعیت همجنسگرا بنوعی خالی از خطر نیست اما در همین اجتماع ما یک تشکل هفت هشت نفره داریم که هر یک الی دوبار در یک مکان با همدیگر ملاقات می کنیم و اکثراً هم صحبت پیرامون مشکلات همجنسگرایان است و خود مسئله همجنسگرایی. این جمع کوچک دوستانه که در حال گسترش نیز می باشد البته با قبول خطرات احتمالی، نمادی است از متشکل شدن همجنسگرایان برای مطرح کردن خواسته های حقیقی و رسیدن به آزادی اجتماعی مدنی خود.

وضعیت همجنسگرایان ایران در این زمان با همه گیر شدن اینترنت و امکان دوستیابی از این طریق نسبتاً بهبود یافته است اما همواره کسانی هستند که کارشکنی جز تفنن های روزانه خودشان محسوب می شود؛ عده ای هوسباز و لذت طلب به اشتباه خود را همجنسگرا معرفی می کنند اما در حقیقت همجنسبازی بیش نیستند. ( در مورد فرق بین همجنسباز با یک همجنسگرا در جاهای بسیاری بارها بحث شده است.)

اما باید برای رسیدن به وضعیتی بهتر تلاش کرد، ایجاد وضعیتی بهتر و فردایی روشن تر با هدف آزادی جنسی و برابری حقوق جنسی وظیفه همه ما همجنسگرایان می باشد. برای حمایت و دفاع از حقوق همجنسگرایان و داشتن جمعیتی که از طرف دولت به رسمیت شناخته شوند باید در مجلس نیز نمایندگان ما حضور داشته باشند تا از حقوق ما دفاع کنند. داشتن حزبی که شخصیت های برجسته در راس آن باشند، برای به هدف رسیدن امری است ضروری و من نیز حاضرم به نوبه خودم در این حزب فعالیت داشته باشم.

در جامعه کنونی یکی از گروه هایی که بیشترین آسیب را متحمل می شود همجنسگرایان هستند. با این شرایط بدون شک همجنسگرایان جزء پیشقدم های دموکراسی و آزادی طلبی هستند.



ابتدا باید تشکر و قدردانی خودم را از اینکه اینجانب را در این شماره از نشریه میهمان کردید اعلام کنم. من رضا شب بین، متولد تهران در سال ۱۳۶۳ هستم و الان دانشجو هستم. در دوران کودکی علاقه زیادی به هنر داشتم ولی در سن ۱۶ سالگی از آنجایی که خانواده ای مذهبی اما روشفکر دارم، به مسائل دینی علاقه مند شدم. این علاقه موجب شد که به مطالعه تفسیرهای مختلف قرآن پرداختم. با توجه به حجم زیاد این کتاب ها مطالعه این کتابها وقت زیادی از دوران نوجوانی من را مصروف خود کرد. در این مدت از جلسات درس اخلاق چند استاد اخلاق نیز استفاده می کردم.

تقریباً از سال اول دبیرستان دیگر تمام پسرها در جمع های دوستانه و خودمانیشان از مسائل جنسی هم صحبت می کنند و شوخی ها و گفتگوهایشان قالب جدیدی به خود می گیرد. این دوران برای من دقیقاً هم زمان بود با دوران آشنایی من با اخلاق اسلامی. اما چیزی که من را کنجکاو می کرد این بود که چرا در کتاب های اخلاقی تا این حد به احتیاط در مورد رابطه با نامحرم صحبت شده ولی من از گفتگو و رابطه با افراد نامحرم دچار گناه و لغزشی نمی شوم. کمتر از یک سال طول کشید که متوجه شدم که من با اکثریت دوستانم تفاوت عمده ای دارم. و به راز همجسگرایی خود پی بردم. از آنجایی که با وجود تربیت مذهبی از طرف خانواده روحیه روشنفکری نیز به من آموزش داده شده بود هیچ گاه خود را بیمار فرض نکردم و برعکس، به آموزش های اخلاقی بدبین شده بودم و پس از مدتی توانستم خودم را آن طور که هستم قبول کنم، اما احساس تنهایی و محدودیت های اجتماعی و خفقان موجود در کشور در این چند سال گاهی برایم غیر قابل تحمل می شود.

تا کنون تعداد کمی از دوستان هم سنم از راز همجسگرایی من مطلع هستند و خانواده ام تا کنون هیچ اطلاعی از این مساله ندارند. البته اطلاع خانواده از این راز برای من به منزله کابوسی می ماند که آرزو می کنم که این مساله روزی ختم به خیر شود. اصولاً جوانان بر خلاف والدینشان قدرت نواندیشی و سنت شکنی بیشتری دارند و به نظر من اصلاح نحوه نگرش والدین در بسیاری از موارد غیرممکن است.

یقینا جوانان قرن آینده با محدودیت هایی که ما با آن مواجه هستیم رو به رو نخواهند بود. اما این آینده روشن منوط به تلاش های امروز ما خواهد بود. و با این چشم انداز، به نظر من باید دوستان همجنسگرا فعالیت های خود را به دو بخش اهداف کوتاه مدت و اهداف بلندمدت تقسیم کنند. به اعتقاد من آنچه تا کنون توسط دوستان همجنسگرا انجام شده، فقط در راستای اهداف بلند مدت ما بوده است.

می بینیم که حرکت های زیر زمینی در بسیاری از مسائل غیرقابل طرح در جامعه کنونی ایران از جمله مساله همجنسگرایی در حال شکل گرفتن هست. وبلاگ نویسی که خود من نیز چند ماهی است که به آن رو آورده ام یکی از این جریان هاست. اگر به وبلاگ های دوستان همجنسگرا سر بزید نوشته های بسیار ارزشمندی خواهید یافت که من مطمئن هستم در آینده ادبی ایران این نوشته ها جایگاه ویژه ای خواهند یافت و نویسندگان این متون یا اشعار به شخصیت های ادبی ایران خواهند پیوست.

تمام تلاش ما در پروژه بلند مدت بستر سازی برای آگاهی دادن به مردم در مورد غیر طبیعی نبودن تمایلات همجنسگرایان هست. اما همجنسگرایان باید بپذیرند که در وضعیت کنونی نمی شود که نظر اکثریت را تغییر داد و اگر بخواهیم تمام تلاش خود را مصروف پروژه بلند مدت کنیم به تمام اهداف خود نخواهیم رسید. از طرفی تلاش برای شناخت همجنسگرایان اکنون به یک عزم جهانی تبدیل شده و ما در این بعد، دوستان خارجی و همراهان خارجی زیادی داریم.

اما آنچه من از آن می خواهم صحبت کنم اهداف کوتاه مدت ماست. به بیان ساده تر من به عنوان یک همجنسگرای بیست ساله هم اکنون به آزادی های فردی و امنیت اجتماعی نیازمندم و نمی توانم در انتظار تحولات آینده که معلوم نیست چه زمانی روی می دهد بمانم. از طرفی موقعیت اجتماعی ایران را مثل هر کشور دیگری فقط ایرانیان می توانند تغییر دهند و مشکلات و محدودیت ها با بیان همین حرف آغاز می شود. سانسورچی ها با دیدن چنین مسائلی به تکاپو می افتند و با بیان چنین صحبتی حتی امنیت شهروندی نیز برای ما از بین می رود. چرا که بیان این مطالب به منزله مخالفت با جمهوری اسلامی و نهایتا مخالفت با اسلام و محاربه با خدا تلقی می شود.

بدیهی است که مسئول برطرف کردن مشکلات پیش روی همجنسگرایان ایرانی حکومت ایران است ولی متأسفانه حکومت حاکم بر ایران نه تنها مشکلی را حل نمی کند، بلکه در اضافه کردن مشکلات از هیچ تلاشی دریغ نمی کند. دقیقا همین جاست که پرونده همیشه مفتوح حقوق بشر جمهوری اسلامی ذهن ها را متوجه خود می کند و بحث آرام و غیر سیاسی ما وارد مسائل سیاسی می شود و از آنجایی که به عقیده حاکمان جمهوری اسلامی "سیاست ما عین دیانت ماست"، می بینید وارد یک بحث سیاسی مذهبی شدیم. من شخصا تا این زمان که به وبلاگ نویسی مشغول بوده ام هیچ گاه خود را وارد مسائل سیاسی و دینی نکرده ام در حالی که در مقدمه صحبت هایم گفتم که چند سالی به مطالعه در زمینه مسائل دینی گذرانده ام و در حد خودم می توانم آنچه از این مطالعات اندک برداشت کرده ام بگویم. یکی از مهمترین دلایل این مساله، نبود امنیت کافی برای طرح چنین مسائلیست که در اینباره بیشتر توضیح خواهم داد.

من فعلا راهی روشن و مشخص برای رسیدن به اهداف کوتاه مدتمان ندارم. اما مطمئن هستم استفاده از تجربیات همجنسگرایان کشورهای خارجی و کمک گرفتن از مجامع بین المللی دفاع از حقوق همجنسگرایان می

تواند نقش به سزایی در رسیدن به این اهداف داشته باشد و چنانچه ایرانیان خارج از کشور نیز بتوانند از فضای آزاد کشورهای دیگر برای دستیابی همجنسگرایان ایران به حداقل حقوقشان تلاش کنند، گام های عمده ای به سوی اهدافمان خواهیم برداشت.

از طرفی معتقدم آنچه که امروز در مدارس و خانواده ها به عنوان اخلاق به فرزندان ایران آموزش داده می شود دارای نواقص و ایراد های بسیار است و تا این اخلاق اصلاح نشود، نه تنها مشکلات همجنسگرایان بلکه بسیاری دیگر از مشکلات جامعه امروز ایران حل نخواهد شد، منتها وارد اینگونه مسائل شدن ریسک بزرگی را می طلبد. انجام چنین ریسکی در شرایط کنونی، به نفع هیچکس نخواهد بود. من معتقد هستم قبل از چنین کاری می بایست توجه انجمنهای بین المللی دفاع از حقوق بشر را به وضعیت همجنسگرایان در ایران جلب کنیم و سپس به سایر امور بپردازیم. همانطور که نهادهایی هستند که با دقت به وضعیت روزنامه نگاران ایرانی نظارت دارند، برای همجنسگرایان ایرانی نیز باید چنین شرایطی فراهم شود و پشتوانه ای وجود داشته باشد که تلاش های آزادی خواهانه همجنسگرایان خاموش و بی صدا نباشد. با فراهم شدن چنین شرایطی شخصا حاضر به پیشقدم شدن برای فعالیت های اساسی تر هستیم و امیدوارم که با ورود تمامی گروه ها و جنبش های دفاع از حقوق بشر در ایران به عرصه دفاع از حقوق همجنسگرایان توجه مجامع جهانی به این مساله بیش از پیش جلب شود.

در خاتمه باید این نکته را عرض کنم که حقیقتا خواسته های جنبش های دفاع از حقوق همجنسگرایان، خواسته هایی لوکس و غیرضروری نیست و اگر این مساله به خوبی توسط یک آسیب شناس اجتماعی مورد نقد قرار گیرد خواهیم دید که بسیاری از نابسامانی های موجود در جامعه ایران در نتیجه بی توجهی به این مشکل اجتماعی هست. در مورد این نابسامانی های اجتماعی در آینده در وبلاگم مطالبی مستند خواهیم نوشت و دوستانی که علاقه مند باشند می توانند از آن استفاده کنند.

<http://www.rezashabbin.blogspot.com>

آدرسی که اعلام شده آدرس وبلاگ من می باشد که در آن امکان نظر دهی از طرف دوستان در مورد مطالب وجود دارد و من از خواندن نظرات دوستان بسیار خوشحال می شوم.  
باز هم از نشریه ماها از بابت وقتی که در اختیار من قرار دادند سپاسگذاری می کنم.

موفق باشید

رضا شب بین

نوروز ۱۳۸۴



## آراد امینی

### کرج - نویسنده وبلاگ «وقتی من و تو باهم ما شدیم»

من آراد امینی ، ۲۲ ساله از شهر کرج و یک همجنسگرا هستم.

من تقریباً از وقتی که خودم رو شناختم فهمیدم که گرایش خاصی نسبت به پسرها دارم، به طوری که بیشتر به سمت اونا جذب می شم تا دخترها. تا قبل از اینکه وارد دانشگاه شم و همچنین با دوستان وبلاگ نویس آشنا بشم ، چیزی در این مورد نمی دونستم و حتی فکر می کردم که من یک گناهکارم. ولی خدا رو شکر میکنم که پی به واقعیت مسئله برده ام و نه تنها از اینکه یک همجنسگرا هستم احساس بدی ندارم، بلکه افتخار هم میکنم که دید روشنی نسبت به این موضوع به دور از هر گونه تعصب و غلط اندیشی دارم. در خانواده ی من ، هیچ کس از این موضوع اطلاعی نداره ، چون خانواده ی من هم مثل خانواده های دیگه اطلاع چندان درستی نسبت به این قضیه ندارند و ممکنه که با گفتن این موضوع ، هم خودم و هم اون ها رو دچار مشکلات زیادی بکنم و تنها راه حل این مسئله اینه که اول خانواده و بالطبع جامعه رو با این موضوع و شناخت صحیح از همجنسگرایی آشنا کنیم بعد خودمون رو به عنوان یک همجنسگرا معرفی کنیم.

همونطور که گفتم تا قبل از آشنایی با وبلاگ ها و سایت ها ، خود من اطلاع چندان درستی نداشتم ولی بعد از اون ، دیدم نسبت به این موضوع صحیح تر شد و همین موضوع انگیزه ای برای من در جهت راه اندازی وبلاگی با این موضوع و مطالب دیگر شد تا بتونم به بقیه ی همجنسانم در انتخاب درست مسیر زندگیشون کمک کنم. درسته که محیط وبلاگ یک محیط کاملاً شخصیه ولی اگر خواننده و نویسنده باهم در تبادل نظر باشن ، محیطی بسیار موفق برای رشد و تکامل فکری هر دو خواهد بود. پس یک وبلاگ موفق وبلاگیه که دوطرفه باشه. من خودم از بهمن ماه سال ۱۳۸۲ با وبلاگ ها آشنا شدم. اون موقع به جز دو یا سه وبلاگ ، وبلاگ دیگه ای رو نمی شناختم و با آغاز سال ۱۳۸۴ ، رشد قابل توجهی در تعداد وبلاگ ها ی مرتبط با این موضوع به وجود اومد که به نظر من چه این وبلاگ ها به خاطر هدفی خاص به وجود اومده باشن یا نه فقط یک وبلاگ کاملاً شخصی باشن ، خود این موضوع که بالاخره همجنسگرایان عزیز کشورمون تصمیم گرفتن که حرف دلشون رو بزنن ، یک امتیاز مثبت برای شناخت درست جامعه از ماها هستش در صورتی که این گونه موضوعات به ابتدال کشیده نشه.

همچنین به وجود آمدن سایت ها و نشریات مرتبط با همجنسگرایی کمک بسیار موثری در راه آشنایی همجنسگرایان با همدیگر و فهمیدن این موضوع که تعداد ماها کم نیست می‌کنه و در اصل ، اتحاد خاصی رو در این جامعه پیاده می‌کنه که لازمه ی دست پیدا کردن به آزادی هستش.

البته لازم به ذکره که موانع زیادی در راه آزادی همجنسگرایی در کشورمون وجود داره که مهمترین اون، دولت هستش که مردم رو به بهانه ی مسلمان بودن و به خاطر داشتن دین اسلام ، به دور از حقیقت نگه می‌داره. برای اینکه بتونیم جامعه رو با این مسئله آشنا کنیم، باید از خانواده ها شروع کنیم و در نتیجه باید از خانواده های خودمون و دوستان و آشنایان که باهم در ارتباط هستیم شروع کنیم که کار خیلی راحتی نیستش، چون ممکنه که خطراتی رو در پی داشته باشه.

به نظر من همجنسگرایان امروز کشور ما ، به تنها چیزی که نیاز دارن اینه که فقط مردم ما شناخت درستی نسبت به این مقوله پیدا بکنن چون اگه که با این موضوع آشنا بشن و بفهمن که همجنسگرایی با ابتذال و رذالت هیچ نسبتی نداره و تنها منشا آن نیز مثل دگرجنسگرایی ، عشق و رابطه ی قلبی هستش ، دیگه مشکلی با این قضیه نخواهند داشت و همجنسگرایان به آزادی ای که بتونن هویت خودشون رو پنهان نکنن دست پیدا خواهند کرد. می‌دونم که یک روزی در آینده ی نه چندان دور همه چیز درست خواهد شد و حق به حقدار خواهد رسید. به امید آن روز

همچنین از نشریه ی الکترونیکی ماها به خاطر متحد کردن جامعه ی همجنسگرایان بسیار ممنونم و سال جدید رو به تمام عزیزانی که در این نشریه مشغول به فعالیت هستند تبریک می‌گم و امیدوارم که در سال جدید پله-های ترقی و موفقیت رو یکی یکی پشت سر گذاشته و در راه رسیدن به هدفشون موفق تر باشن.

با تشکر مجدد

آراد امینی

ماها، مجله الکترونیکی همجنسگرایان ایران

برای بیان نظرات و پیشنهادات خود، و یا ارسال مطلب، عکس، نقد، و همینطور برای اشتراک «ماها»، از آدرس پستی زیر استفاده کنید:

[Majaleh\\_maha@yahoo.com](mailto:Majaleh_maha@yahoo.com)